

# مطالعه مقایسه‌ای ماهیت هوش هیجانی بر یادگیری زبان خارجه در دانشجویان رشته‌های پرستاری و بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

نازیلا فرخ اسلاملو<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت 1392/02/24 تاریخ پذیرش 1392/05/18

## چکیده

پیش زمینه و هدف: هوش به طور سنتی بر اساس توانایی‌های ریاضی - منطقی و زبانی تعریف شده است. سال‌های زیادی است که روانشناسان مهم‌ترین استعداد افراد را IQ یا بهره هوشی نامیده‌اند. هدف این مقاله شناخت رابطه‌ی هوش هیجانی در یادگیری زبان خارجه در دانشجویان رشته‌های پرستاری و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ارومیه می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق کاربردی و از دسته مطالعات تحلیلی - مقطعی می‌باشد. جامعه‌ی مورد پژوهش شامل دانشجویان پرستاری و بهداشت از دانشگاه علوم پزشکی ارومیه بوده که به این منظور از ۳۴۸ دانشجوی خواسته شد تا به پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (1998) پاسخ دهند. ارتباط بین نمرات هوش هیجانی و خواندن، گوش دادن، صحبت کردن و مهارت نوشتن زبان خارجی و میانگین نمونه‌های کلی در ابتدا با به‌کارگیری این تست انجام شد و بعد از آن همبستگی بین نمرات کلی هوش هیجانی و نمرات شاخه‌های پنج‌گانه اصلی EQ توسط آزمون آماری پیرسون مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته‌ها: این بررسی روابط قابل توجهی در میان ساختارهای هوش فردی، بینا فردی، مهارت‌های مدیریت استرس و موفقیت تحصیلی را نشان می‌دهد. بر این اساس هم زنان و هم مردان مورد آزمون قرار گرفتند و نتایج به دست آمده در حال حاضر نشان می‌دهد که هیچ ارتباط معنی‌داری بین هوش عاطفی و یادگیری در مردان وجود ندارد. اما نتایج متفاوتی در مورد زنان به دست آمده است، بنابراین به طور جداگانه رابطه معنی‌داری بین موفقیت تحصیلی با سازگاری و کنترل استرس، مهارت خواندن با کنترل استرس، خلق و خوی عمومی با سازگاری و مهارت صحبت کردن با بی‌ثباتی عاطفی، هوش درون فردی و کنترل استرس وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: همان طور که نتایج نشان می‌دهد که میزان موفقیت در یادگیری یک زبان خارجی به طور مستقیم با هوش هیجانی مرتبط است.

کلید واژه‌ها: هوش هیجانی، ضریب هوشی، بین فردی، درون فردی، کنترل استرس، یادگیری زبان خارجی

مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره یازدهم، شماره هفتم، پی در پی 48، مهر 1392، ص 497-491

آدرس مکاتبه: دانشکده پزشکی ارومیه، تلفن: ۰۹۱۴۹۳۶۲۳۶۲

Email: eslamlufn@gmail.com

## مقدمه

هوش از مفهوم یک بعدی (۲) به مفهوم چند بعدی (۳) و سپس به یک حس عاطفی {۸#} تغییر یافته است. در آغاز قرن بیستم، آلفرد بینه، در طی یک درخواست که از دانشکده ملی فرانسه مبنی بر اندازه‌گیری تعداد دانش آموزانی که ترک تحصیل کرده‌اند، یک آزمون هوش طراحی کرد که شامل مفاهیم اطلاعات هوشی بود که بعداً دست‌خوش تغییرات زیادی شد. به عنوان مثال، بینه هوش را معادل توانایی‌های ذهنی می‌داند و همچنین آزمون‌های IQ را به عنوان یک مقیاس مناسب برای اندازه‌گیری هوش در نظر گرفته است. در واقع، در نیمه اول قرن بیستم IQ به عنوان یک عامل مؤثر در موفقیت تحصیلی در نظر گرفته شد (۵).

از اواخر سال ۱۹۷۰ بسیاری از مطالعات مربوط به آموزش علوم در راستای راهبردهای یادگیری وجود دارند که منجر به ایجاد تمایل در آموزش زبان دوم و زبان خارجی می‌شود. محققان کشف کرده‌اند که زبان آموزان موفق در یادگیری زبان خارجه در مقایسه با هم‌کلاسی‌های خود که موفق نبوده‌اند، از فرایندهای ذهنی استراتژیک (استراتژی‌های یادگیری) بهره کافی را برده‌اند. ایالات متحده به تربیت تمام دانش آموزانی می‌پردازد که هم از لحاظ زبانشناسی و هم از لحاظ فرهنگی قادر به برقراری ارتباط موفقیت آمیز در یک جامعه کثرت گرا و همچنین در خارج از کشور باشند (۱). پس از تغییرات متعددی که در روانشناسی هوش به وجود آمده است، اصطلاح

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

یا هیچ نقشی در تعیین موفقیت‌های اساسی در ارتباطات شفاهی مردم ندارد.

با توجه به یافته‌های دانشمندان مغز و اعصاب، بخشی از مغز که کنترل مهارت‌های یادگیری زبان دوم را دارد متفاوت از بخشی است که به پردازش زبان اول در دوران کودکی می‌پردازد. بر اساس تئوری یادگیری زبان، زبان دوم اشاره به آموختن هر زبانی به خیر از زبان اول شخص دارد. افراد در یادگیری زبان دوم که به طرق مختلف یاد می‌گیرند متفاوت از کودکانی هستند که زبان اول خود را فرا می‌گیرند، البته فقط تعداد کمی از بزرگسالان که یادگیرندگان زبان دوم هستند در رسیدن به شایستگی‌های زبان دوم مانند یادگیرندگان زبان اول که زبان مادری خود را فرا می‌گیرند عمل می‌کنند. بسیاری از تحقیقات مهم در مورد بررسی نقش هوش در یادگیری زبان دوم توسط جینس (۱۱) انجام شد. جینس به بررسی شواهد به دست آمده از مطالعات انجام شده بر روی کودکان در مراحل اولیه از یادگیری زبان دوم به خصوص با تمرکز کردن بر رفتار مشخص و رایج در میان کودکان دو زبانه، یعنی کودکانی که در مکالمه روزمره خود از دو زبان به طور همزمان استفاده می‌کنند پرداخت. پس از مشاهده این موضوع از دیدگاه شناختی، زبانی و ارتباطی، او مدعی بود که در معرض دو زبان قرار گرفتن به طور همزمان بچه‌ها را در معرض خطر توسعه زبان ناقص قرار نمی‌دهد. در واقع، کودکان دو زبانه رفتارهای زبانی مختلفی را در مقایسه با کودکان تک زبانه نشان می‌دهند.

مطالعه حاضر به منظور پیدا کردن یک رابطه بین یادگیری زبان دوم و افزایش هوش هیجانی انجام شده است. در واقع، این مطالعه به منظور پاسخ دادن به سؤالات زیر طراحی شده است:

۱. آیا یادگیری زبان دوم، نقش مهمی در موفقیت دانشجویان پرستاری و بهداشت در دانشگاه دارد؟
۲. آیا رابطه معنی‌داری میان هوش هیجانی و مهارت‌های زبان وجود دارد؟
۳. آیا روابط معنی‌دار میان هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های زبانی در مردان وجود دارد؟
۴. آیا روابط معنی‌دار میان هوش هیجانی، پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های زبانی در زنان وجود دارد؟

### مواد و روش کار

این پژوهش نوعی پژوهش کاربردی و از دسته مطالعات تحلیلی - مقطعی است. نمونه جامعه آماری این مطالعه از ۳۸۴ نفر دانشجوی تشکیل شده است که شامل ۱۰۴ نفر مرد و ۲۸۰ نفر زن که سن آن‌ها بین ۱۹ و ۲۵ سال می‌باشد. همه شرکت کنندگان دانشجویان دانشگاه‌های ایران می‌باشند (دانشکده پرستاری و

هوش هیجانی EQ که ریشه در مفهوم "هوش اجتماعی" دارد برای اولین بار توسط ای.ال ثرنادیک {۱۱#، ۱۳#} در سال ۱۹۲۰ شناسایی شد. یکی از مزایای استفاده کردن EQ نسبت به IQ به بهترین نحو ممکن جنبه راحت آموزی آن است که می‌تواند اصلاح شده و بهبود یابد.

البته محققان تعدادی از عوامل ناشناس را که می‌توانند در پیشرفت تحصیلی و موفقیت کلی مؤثر باشند را کشف کرده‌اند (۷). یکی از محققان فعال در این زمینه بار-آن می‌باشد که پرسشنامه هوش هیجانی را پیشنهاد کرده است. پاسخ‌های افراد نمره کل EQ و همچنین نمرات کل زیر گروه‌های EQ که شامل ۱۵ زیر گروه می‌باشد را ارائه می‌دهد: هوش درون فردی (شامل عزت نفس، هوش خود آگاهی، جسارت، استقلال، و خود شکوفایی)، هوش فردی (شامل همدلی، مسئولیت اجتماعی و ارتباط بین فردی)، مدیریت استرس (شامل تحمل استرس و کنترل امیال)، سازگاری (متشکل از تست واقعیت، انعطاف پذیری، حل مسئله) و حالت عمومی (شامل خوش‌بینی و شادی) می‌باشد. تحقیقات نشان داده است که مهارت‌های عاطفی و اجتماعی در بالا بردن هوش هیجانی در موفقیت‌های فردی و موفقیت در زندگی نقش مهمی دارند. به عنوان مثال، یک فرد با EQ بالا دارای یک زندگی متعادل در طول دوران زندگی‌اش می‌باشد. البته داشتن مهارت‌هایی که مبنی بر سریع‌ترین یا شجاع‌ترین و ماهرترین و یا شگفت‌انگیزترین فرد باشد در مقابله با افراد با IQ بالا ارزش چندانی ندارند بلکه انجام بهینه کار مهم است که همیشه جنبه‌های دیگری هم وجود دارد که باید در نظر گرفت. بنابراین، شناسایی احساسات و ارتباط با احساسات می‌تواند در اصلاح رفتار مردم مفید باشد.

با توجه به مدل یادگیری معنی‌دار اسویل (۸)، یادگیری به طور معنی‌دار و رده بندی موارد، دارای پتانسیل بسیار بیشتری برای حفظ و نگه داری اطلاعات هستند و همچنین هوش بالا بدون شک حاکی از روند ذخیره سازی اقلام که به خصوص در ساخت سلسله مراتب مفهومی بسیار کارآمد هستند مفید می‌باشد. برای توصیف نقش ذهن در یادگیری زبان دوم، باید توجه داشت که تحقیقات زیادی در این زمینه وجود ندارد. دو دلیل عمده برای این عدم تحقیق وجود دارد دلیل اول بستگی به ایده‌های چامسکی (۹) در مورد اکتسابی بودن زبان اول دارد که در مورد استقلال ذهن در یادگیری زبان اول می‌باشد و همچنین وجود قاعده کلی که در آن، وی به بی اهمیت بودن تفاوت‌های فردی در جامعه اشاره کرده است. دلیل دوم تأثیر روش‌های مختلف و رویکردهای جدید در آموزش و یادگیری زبان دوم است. ظاهراً نتایج اخیر اشاره به اهمیت داشتن نقش هوش در تعیین موفقیت زبان آموزان در تمام جهات زندگی دارد. با توجه به نظر اسکهان (۱۰)، هوش نقش کم و

بهداشت دانشگاه ارومیه) که در رشته مهندسی بهداشت محیط و بهداشت حرفه‌ای و رشته پرستاری تحصیل می‌کنند که در سال‌های اول و دوم و سوم و چهارم دانشگاه هستند.

از دانشجویان نامبرده خواسته شد در صورت تمایل در این پژوهش در باره "هوش و آموزش زبان دوم" شرکت کنند. در آغاز سال تحصیلی (۱۳۹۰)، شرکت کنندگان به پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (۱۲) جواب دادند که در اصل این پرسشنامه در سال ۱۹۸۰ توسط بار-ان طراحی شده است.

قسمت اول پرسشنامه متشکل از سؤالات مربوط به هوش هیجانی درون فردی می‌باشد (۴۰ سؤال) که به قسمت‌های مختلف خود آگاهی هیجانی (۸ مورد)، جسارت (۷ مورد)، عزت نفس (۹ مورد)، خودشکوفایی (۹ مورد)، و استقلال (۷ مورد) تقسیم شده است. قسمت دوم پرسشنامه متشکل از سؤالات مربوط به هوش هیجانی میان فردی می‌باشد (۲۹ سؤال) است، که به قسمت‌های همدلی (۸ مورد)، روابط فردی (۱۱ مورد)، و مسئولیت اجتماعی (۱۰ مورد) تقسیم شده است. قسمت سوم در باره رابطه سازگاری با هوش هیجانی است که شامل (۲۶ سؤال) می‌باشد، که به حل مشکل (۸ مورد)، آزمون واقعیت (۱۰ مورد)، و انعطاف پذیری (۸ مورد) تقسیم شده است. قسمت چهارم، در باره رابطه هوش هیجانی و مدیریت استرس (۱۸ سؤال) است، که به کنترل استرس (۹ مورد) تقسیم شده است. قسمت پنجم به رابطه خلق و خوی و هوش هیجانی می‌پردازد (۱۷ سؤال)، که شادی (۹ مورد) و خوش‌بینی (۸ مورد) تقسیم شده است. با این حال، ۱۵ تا از سؤالاتی که در ارتباط با مقیاس هستند جهت ارزیابی اعتبار پاسخ در نظر گرفته شده است. این مقیاس‌ها شامل نرخ حذف، شاخص ناسازگاری، اثر مثبت و مقیاس اندازه‌گیری برداشت منفی است. پاسخ دادن به پرسشنامه حدود چهار دقیقه طول می‌کشد تا توسط دانشجویان تکمیل شود. یک نمونه از سؤالات پرسشنامه این گونه است: "سود بردن از مردم مرا اذیت نمی‌کند به خصوص اگر آن‌ها سزاوار این کار باشند." شرکت کنندگان به مقیاس‌های ۵ گزینه‌ای و زنجیره‌های لیکرت شامل "به ندرت و یا در باره من اصلاً درست نیست" و "در اغلب موارد یا کاملاً در باره من درست است" پاسخ می‌دهند. نمرات بالا و پایین با توجه به این موضوع که چقدر از نمره میانی ۱۰۰ فاصله دارد محاسبه می‌شوند. نمراتی که بالاتر از نمره میانی و یا پایین تر از آن نمره قرار بگیرند (۱۵ نمره بالاتر یا پایین تر از نمره میانی) در محدوده نمرال قرار می‌گیرند. البته زمان متوسط به رای کامل کردن این تست ۲۰ تا ۵۰ دقیقه می‌باشد. تست‌های هوش هیجانی طی سال‌های بسیاری توسعه یافته‌اند و در طول زمان مقیاس‌های اندازه‌گیری اعتبار و شاخص اصلاح جهت بهبود اندازه‌گیری به این تست‌ها اضافه شده‌اند.

بسیاری از تحقیقات ارتباط بین هوش هیجانی و توانایی‌های مختلف درباره طرز گزارش شخصیتی، مانند پرسشنامه شخصیتی آیزنک (۱۳) را نشان می‌دهند. به طور کلی، نمرات کلی هوش هیجانی به طور مثبت با اقدامات مثبت عاطفی و به طور منفی با اقدامات روان گرایی و آسیب شناسی روانی در ارتباط است. یکی از تحقیقات مهمی که در رابطه با نقش هوش هیجانی در یادگیری زبان دوم انجام گرفته مقاله تحقیقاتی فهیم و پیش‌قدم (۱۴) می‌باشد که در آن به رابطه میان هوش هیجانی و ضریب هوشی و همچنین به رابطه هوش کلامی و میزان موفقیت تحصیلی دانشجویانی که رشته تحصیلی آن‌ها زبان بود پرداخته‌اند. به طور شگفت انگیزی آن‌ها به این موضوع پی برده‌اند که موفقیت تحصیلی با جنبه‌های مختلف هوش هیجانی (هوش درون فردی، کنترل استرس و خلق و خوی عمومی) ارتباط مستقیم دارد. همچنین آن‌ها به این موضوع پی برده‌اند که موفقیت تحصیلی افراد زیاد با ضریب هوشی ارتباط مستقیم ندارد، بلکه با هوش کلامی که یکی از زیر مجموعه‌های ضریب هوشی می‌باشد ارتباط قوی و مستقیمی دارد.

### یافته‌ها

پرسشنامه هوش هیجانی برای اولین بار بر اساس دستورالعمل‌های ارائه شده توسط بار آن (۱۹۹۸) نمره گذاری شد، سپس مجموع نمرات هوش هیجانی و نمرات پنج‌گانه زیر مجموعه آن بر اساس این دستورالعمل‌ها محاسبه شد. از آنجایی که نیازی به تبدیل نمرات خام به استاندارد وجود ندارد، در این مطالعه نمرات خام به منظور تعیین نقش هوش هیجانی در یادگیری زبان‌های خارجی مورد استفاده قرار گرفتند، و نمرات دانش‌آموزان در مهارت‌های خواندن، گوش دادن، صحبت کردن، نوشتن، و همچنین معدل آن‌ها را از آموزش دانشگاه‌ها تهیه کردیم که دانش‌آموزان دروس پیش دانشگاهی و زبان عمومی و زبان تخصصی مربوط به رشته‌های خود را در طی چهار سال تحصیلی گذرانده‌اند و میانگین نمرات هر درس با استفاده از روش آماری همبستگی لحظه‌ای پیرسن محاسبه شد. دلیل استفاده کردن از میانگین نمرات هر مهارت، به خاطر افزایش دادن قابلیت اطمینان و اعتبار این تحقیق می‌باشد، میانگین این مهارت‌ها برای بالا بردن قابلیت اطمینان و اعتبار پژوهش استفاده می‌شود و همچنین برخی از اساتید در تدریس و نمره دادن مهارت‌ها دقیق و برخی به راحتی می‌توانند با این موضوع کنار بیایند که این خود بر قابلیت اطمینان و اعتبار پژوهش تأثیر می‌گذارد.

جدول شماره ۱ همبستگی میان متغیرهای EQ (درون فردی، مدیریت استرس، سازگاری، خلق و خوی عمومی)، میانگین معدل

سال دوم دانشگاه، و نمرات مهارت‌های خواندن، گوش دادن، صحبت کردن، نوشتن، و نمرات گرامر نمونه‌های کلی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میزان قابل توجهی از همبستگی بین مهارت صحبت کردن و زیر مجموعه‌های هوش مثل هوش هیجانی (ضریب همبستگی =  $0.23$ )، هوش درون فردی (ضریب همبستگی =  $0.27$ )، هوش میان فردی (ضریب همبستگی =  $0.11$ ) کنترل استرس (ضریب همبستگی =  $0.7$ ) خلق و خوی عمومی

(ضریب همبستگی =  $0.22$ ) و سازگاری (ضریب همبستگی =  $0.4$ ) وجود دارد. و همچنین همبستگی بین مهارت خواندن و خلق و خوی عمومی (ضریب همبستگی =  $0.12$ ) و سازگاری (ضریب همبستگی =  $0.13$ ) وجود دارد. با توجه به این یافته‌ها، به طور کلی ارتباط معنی‌داری بین صحبت کردن، خواندن، هوش عاطفی و یادگیری زبان دوم وجود دارد.

جدول شماره (۱): همبستگی میان مهارت‌های هوش هیجانی در یادگیری زبان‌های خارجی

سازه‌ها / مهارت	مهارت نوشتن	مهارت صحبت کردن	مهارت گوش کردن	مهارت خواندن	میانگین معدل
هوش هیجانی	$0.06$	$0.23^*$	$0.01$	$0.08$	$0.08$
هوش درون فردی	$0.05$	$0.27^*$	$0.09$	$0.08$	$0.06$
هوش میان فردی	$0.06$	$0.11$	$0.10$	$-0.02$	$0.02$
کنترل استرس	$0.05$	$0.07$	$0.06$	$0.09$	$0.10$
خلق و خوی عمومی	$0.05$	$0.22^*$	$0.04$	$0.12^*$	$0.07$
سازگاری	$0.07$	$-0.03$	$0.05$	$0.13^*$	$0.05$

\* سطح همبستگی  $0.05 < 0.0$  نمونه کل = ۳۸۴

با توجه به رابطه‌ای که بین هوش عاطفی و یادگیری زبان خارجی میان مردان و زنان وجود دارد، همه افراد با توجه به جنسشان به دو گروه تقسیم شدند. همان‌طور که در جدول ۲ که در مورد مردان است، نشان داده می‌شود، هیچ ارتباط معنی‌داری بین هوش هیجانی مردان و پیشرفت مهارت‌های یادگیری آن‌ها وجود ندارد. اما جدول شماره ۳ در مورد زنان نشان می‌دهد که، رابطه معنی‌داری بین معدل و کنترل استرس

(ضریب همبستگی =  $0.18$ ) و خواندن و کنترل استرس (ضریب همبستگی =  $0.15$ )، همچنین همبستگی میان صحبت کردن و هوش عاطفی (ضریب همبستگی =  $0.24$ )، هوش درون (ضریب همبستگی =  $0.27$ )، و خلق و خوی عمومی (ضریب همبستگی =  $0.25$ ) وجود دارد. بنابراین، رابطه بین هوش با مهارت‌های یادگیری زبان دوم عاطفی در مردان و زنان متفاوت است (جدول ۳).

جدول شماره (۲): همبستگی میان هوش هیجانی و مهارت‌های یادگیری زبان‌های خارجی در مردان.

سازه‌ها / مهارت	مهارت نوشتن	مهارت صحبت کردن	مهارت گوش کردن	مهارت خواندن	میانگین معدل
هوش هیجانی	$0.0$	$0.08$	$0.04$	$0.05$	$-0.05$
هوش درون فردی	$0.05$	$0.06$	$0.04$	$0.06$	$0.01$
هوش میان فردی	$0.02$	$0.08$	$0.06$	$-0.02$	$0.01$
کنترل استرس	$0.06$	$0.11$	$0.08$	$0.06$	$0.04$
خلق و خوی عمومی	$-0.19$	$0.08$	$-0.04$	$0.07$	$0.02$
سازگاری	$0.01$	$-0.02$	$0.01$	$0.05$	$0.04$

\* سطح همبستگی  $0.05 < 0.0$  نمونه = ۱۰۴

جدول شماره (۳): همبستگی میان هوش هیجانی و مهارت‌های یادگیری زبان‌های خارجی در زنان

سازه / مهارت	مهارت نوشتن	مهارت صحبت کردن	مهارت گوش کردن	مهارت خواندن	میانگین معدل
هوش هیجانی	۰/۰۸	*۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۱
هوش درون فردی	۰/۰۶	*۰/۲۷	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷
هوش میان فردی	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۸	-۰/۰۲	۰/۰۲
کنترل استرس	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۱	*۰/۱۶	*۰/۱۸
خلق و خوی عمومی	۰/۱۰	*۰/۲۵	۰/۰۸	*۰/۱۵	۰/۱۰
سازگاری	۰/۰۱	-۰/۰۴	۰/۰۸	*۰/۱۶	۰/۱۲

\* سطح همبستگی  $< 0.05$  نمونه = ۲۸۰

### بحث و نتیجه‌گیری

کاملاً واضح است که محیط‌های آموزشی و عملکرد معلمان بر افکار و احساسات ما تأثیر می‌گذارند. در محیط‌های آموزشی یادگیری زبان از طریق تعامل با دیگران افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌های این مطالعه پیامدها و راه کارهای متعددی را برای حرفه‌ی آموزش زبان انگلیسی نشان می‌دهد. از عوامل مهم و اساسی برای دسترسی به موفقیت در یادگیری زبان‌های خارجی شامل هوش درون فردی، کنترل استرس، خلق و خوی عمومی برای میانگین کلی، مدیریت استرس، سازگاری، خلق و خوی عمومی (برای خواندن)، هوش میان فردی، خلق و خوی عمومی (برای صحبت کردن) می‌باشد.

این یافته‌ها با کارهای فهم و پیش‌قدم سازگاری زیادی دارند که آن‌ها به یک رابطه نزدیک بین میانگین معدل و هوش درون فردی، کنترل استرس و خلق و خوی عمومی پی برده‌اند. علاوه بر این، نتایج به دست آمده از این تحقیق یافته‌های پیش‌قدم (۱۵) درباره اثرات EQ بر خواندن و نوشتن را اثبات می‌کند. اما ارتباط بین زنان و مردان مورد آزمون قرار گرفت و نتایج به دست آمده در حال حاضر نشان می‌دهد که هیچ ارتباط معنی‌داری بین هوش عاطفی و یادگیری زبان در میان مردان گزارش نشده است. اما نتایج متفاوتی در مورد زنان به دست آمده است. بنابراین به طور جداگانه رابطه معنی‌داری بین موفقیت تحصیلی، سازگاری و کنترل استرس، مهارت خواندن و کنترل استرس، خلق و خوی عمومی و سازگاری و مهارت صحبت کردن و بی‌ثباتی عاطفی، هوش درون فردی و کنترل استرس وجود دارد. لازم به ذکر است که در مطالعه حاضر چنین رابطه تنها در زنان گزارش شده است. به نظر می‌رسد که مردان از هوش هیجانی در یادگیری زبان‌های خارجی هیچ بهره‌ای نمی‌برند، البته این موضوع شاید مربوط به حالت ذهنی و روانی آن‌ها باشد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که هوش هیجانی نقش مؤثری در صحبت کردن دارد. برای اینکه یک

شنونده موفق باشیم باید سعی کنیم به سطح بالایی از EQ در مسائل عمومی و کنترل استرس و توانایی‌های درون فردی دست یابیم. به نظر می‌رسد که ماهیت مهارت‌های صحبت کردن به گونه‌ای است که صلاحیت‌های فردی (همدلی، روابط بینا فردی و مسئولیت اجتماعی)، شایستگی درون فردی، و خلق و خوی کلی می‌تواند کمک کننده باشد. علاوه بر در نظر گرفتن توانایی‌های درون فردی و خلق و خوی عمومی افراد، زبان آموزان باید یاد بگیرند که در شرایط خاص چگونه از احساسات دیگران آگاهی پیدا کنند و برای ایجاد و حفظ روابط رضایت بخشی که از وجود رفتارهای عاطفی و محبت آمیز متقابل افراد به وجود می‌آید تلاش کنند، و همچنین باید تلاش کنند تا به عنوان یک عضو فعال و مسئولیت‌پذیر اجتماع باشند.

کنترل استرس، خلق و خوی عمومی و سازگاری مهارت‌هایی هستند که به زبان آموزان در خواندن کمک می‌کنند. رضایتمندی از زندگی و بهره‌گیری از بودن با دیگران و حفظ نگرش مثبت حتی در مواجهه با ناملایمات از الزامات یادگیری موفقیت آمیز زبان‌های خارجی می‌باشد. زبان آموزان باید قادر باشند تا در برابر عوامل داخلی و خارجی استرس خود را کنترل نمایند و همچنین در مواجه شدن با مشکلات روحیه‌ی خوبی داشته باشند و باید خود را با محتوای متون وقف دهند. و در نهایت، یک نویسنده خوب باید به دور از هرگونه استرس و سازگار با هر شرایطی باشد. با توجه به ماهیت زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی در ایران، وجود ارتباط مثبت بین یادگیری زبان دوم و هوش هیجانی تعجب آور نیست. به نظر می‌رسد که یادگیری زبان دوم دشوار و پر از استرس و فشار برای زبان آموزان می‌باشد (۱۶). به ویژه برای بزرگسالانی که صحبت کردن به زبان دیگری که به غیر از زبان مادری آن‌ها می‌باشد به خاطر مسائلی همچون مسائل مربوط به سن بلوغ سخت می‌باشد که در این صورت اشتباهات زیادی هم خواهند داشت. در ایران زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی

برای شناسایی هوش هیجانی فراهم می‌کنند و زمینه را برای یادگیری مهارت‌های مورد نیاز برای بکارگیری زبان دوم مهیا می‌سازند.

بنابراین، طبیعی به نظر می‌رسد که عوامل عاطفی، به خصوص ویژگی‌های درون فردی و توانایی کنترل استرس، از اهمیت زیادی در این زمینه از یادگیری برخوردار باشد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد که میزان موفقیت در یادگیری یک زبان خارجی به طور مستقیم با هوش هیجانی مرتبط است. کاملاً روشن است که با در نظر گرفتن تأثیرات مثبت هوش هیجانی در یادگیری زبان خارجه دانش‌آموزان تسلط بیشتری در یادگیری زبان‌های خارجه خواهند داشت و کمتر تحت تأثیر احساسات دیگران قرار می‌گیرند و بر اساس ایده‌های خود عمل می‌کنند.

محسوب می‌شود، به این دلیل که دانش‌آموزان فقط در کلاس درس فرصت صحبت کردن آن را دارند. در ایران، دانش‌آموزان، قبل از وارد شدن به دانشگاه، زبان انگلیسی عمومی را به مدت ۸ سال در مدارس و پس از آن تحصیل زبان انگلیسی خود را در دوره‌های ESP (انگلیسی برای اهداف ویژه) در دانشگاه ادامه می‌دهند. در ایران دانش‌آموزان به یادگیری زبان انگلیسی و داشتن یک لهجه شبیه لهجه بومی خیلی تشویق می‌شوند. علاوه بر این، امروزه بسیاری از مشاغل در ایران نیاز به دانستن زبان انگلیسی دارند. با توجه به دلایل فوق، معلمان زبان انگلیسی در ایران مهارت بالایی در تدریس زبان‌های خارجه دارند به همین دلیل با قرار دادن فشار زیاد بر روی دانش‌آموزان خواستار استفاده صحیح و دقیق زبان انگلیسی در شرایط گوناگون می‌باشند. محیط‌های یادگیری تعاملی، مانند مؤسسات آموزش زبان، شرایط مناسبی

## References

1. Scott VM. Standards for Foreign Language Learning. Lawrence, KS: Allen Press; 2006.
2. Binet A. A propos de la mesure de l'intelligence. psy 1904;11(1):69-82.
3. Gardner H. Frames of mind. New York: Basic Books; 1983.
4. Salovey P., Mayer J. Emotional intelligence. Imagination, cognition, and personality 1990;9:185-219.
5. Wechsler D. The measurement and appraisal of adult intelligence. 4th ed. Baltimore: Williams & Wilkins; 1958.
6. Thorndike RL. Intelligence and its uses. Harpers' Magazine 1920;140:227-35.
7. Eysenck HJ, Eysenck SBG. Manual for the Eysenck Personality Questionnaire. San Diego: CA: Educational and Industry Testing Service; 1975.
8. Douglas Brown H. Principles of language learning and teaching. Pearson Longman; 1980.
9. Ausubel D. The Psychology of Meaningful Verbal Learning. New York: Grune & Stratton; 1963.
10. Chomsky N. Reflections on Language. New York: Pantheon Books; 1981.
11. Peter S. Individual differences in second-language learning. London: Edward; 1989.
12. Genesee F. Portrait of the bilingual child. In V. Cook New York: Multilingual Matters; 2002.
13. Baron R. Emotional Quotient Inventory: User's manual. Toronto 1997.
14. Fahim M, Pishghadam R. On the role of emotional, psychometric, and verbal intelligences in the academic achievement of university students majoring in English language. Asian EFL J 2007;9:240-53.
15. Pishghadam R. Emotional and verbal intelligences in language learning. Iran J language Stud 2009;3:43-64.
16. Krashen S. Second language acquisition and second language learning. Oxford: Pergamon Press; 2002.

## A COMPARATIVE STUDY OF THE NATURE OF EMOTIONAL INTELLIGENCE ON FOREIGN LANGUAGE LEARNING IN NURSING AND HEALTH STUDENTS IN URMIA UNIVERSITY OF MEDICAL SCIENCE

FarokhEslamlou N<sup>1</sup>

*Received: 14 May , 2013; Accepted: 9 Aug , 2013*

### Abstract

**Background & Aims:** Intelligence traditionally is defined according to mathematical - logical language abilities. psychologists have called the most important individuals' talent IQ for Many years . This paper aims to understand the relationship between emotional intelligence and foreign language learning in health and nursing students in Medical Sciences University of Urmia.

**Materials & Methods:** This research is an applicable and analytical – sectional study. The research community includes 348 Nursing and health students of Medical Sciences University of Urmia who were asked respond to Bar-on's Emotional Intelligence Questionnaire. Relationships among the scores of Emotional intelligence and reading, listening, speaking and writing skills in foreign language and the overall mean of the samples were initially tested and then the correlation among the scores of the five branches of EQ scores were analyzed by the Pearson test.

**Results:** This research shows significant relationships between the structures of individual intelligence, interpersonal, stress management skills and academic achievement. Accordingly, both women and men were tested. Accordingly, both women and men were tested. The obtained results show that no significant relationship exists between emotional intelligence and learning foreign languages among men. But different results are obtained in the case of women, however there is separate relationship between academic achievement and adaptability, stress management, reading skills and stress management, adaptability and general mood , speaking , emotional instability and intrapersonal intelligence and stress management.

**Conclusion:** As the results show, the rate of success in learning a foreign language is directly related to emotional intelligence.

**Key words:** Emotional Intelligence, IQ, interpersonal, intrapersonal, stress management, learning foreign languages

**Address:** Medical Faculty of Urmia

**Tel:** (+98) 9149362362

**Email:** eslamlufn@gmail.com

<sup>1</sup> MA in English Language Education, Urmia University of Medical Sciences